

گفتار متن فیلمی که هرگز پخش نشد به قلم سید مرتضی آوینی جبهه و جنگ (۸سال دفاع مقدس)

اهل بصیرت را با شهر کوران چه کار؟ ماه ها از پایان جنگ و بسته شدن باب جهاد فی سبیل الله گذشته است و برای بسیاری جنگ دیگر جزء خاطره ای دور از یک دوران سپری شده هیچ نیست. اما برای که قسمتی از وجود خویش را در جنگ نهاده است چگونه پایان یابد؟ برای آن که چشم هایش را در جنگ نهاده است دستش را پایش را دست هایش را پاهایش را و چه بسا چشم ها و دست ها و پاهایش را در جنگ نهاده است چگونه ممکن است که جنگ پایان یابد؟

برای او جنگ خاطره ای دور از یک دوران سپری شده نیست... باب جهاد را خداوند بر من و تو بسته است اما برای او همچنان مفتوح است چرا که چشمانش دیگر بازنگشته اند. دلاوری دیگر پاهایش را نثار مجد و عظمت اسلام کرده است و اگر چه در دار بقاء آنجا که من و تو را پای رفتن نیست او پاهایش را در نزد خداوند خواهد یافت، اما اینجا دار فناست و آنچه فانی شدنی است باز نمی گردد... و او هم در انتظار معجزه نیست و رضای خویش را در رضایت خداوند می داند. اگر چه جوان است و هنوز ازدواج نکرده است. اما برای او جنگ تراژدی نامطلوبی از یک دوران غم بار نیست خورشید حیات بخشی است که هنوز در آسمان سینه اش روشن است. شیطان می خواست که با قدرت سلاح بر جهان حکومت یابد و مومنین با گوشت پوست و رگ و استخوان در برابرش ایستادند. بمب ها و موشک هایش را به جان خریدند و در فضایی آکنده از بخارات مرگبار شیمیایی از استقلال و شرف و عزت خویش دفاع کردند... و هرگز در برابر عمل خویش مزدی نخواستند. اما اکنون که علی الظاهر جنگ خاتمه یافته است آیا باید در فراموشکده ها و غفلت کده های اذهان من و تودر هیاهوی شهر گم شوند.. شاید جنگ خاتمه یافته باشد اما مبارزه هرگز پایان نخواهد یافت و زنهاری این غفلتی که من و تو را در خود گرفته است، ظلمات قیامت است.

آنگاه که آسمان انفطار یابد و ستارگان پراکنده شوند. آنگاه که دریاها شکافته شوند و انسان ها سر از قبرها بردارند، خواهند دانست که چه پیش فرستاده اند و چه واپس نهاده اند.

یا ایها الانسان چیست آنچه تورا فریفته و بر آفریدگارت غره داشته است؟ آفریدگاری که تورا آفریده است و استوار داشته بر این صورت پرداخته است. اما حاشا و کلا که شما روز جزا را تکذیب می کنید حال آنکه او بر شما نگهبانانی گماشته است کراما کاتبین. می دانند که چه می کنید ابرار در نعیم اند و فجارد در جحیم... ابرار در بهشت اند و بدکاران در دوزخی که روز جزا به آن وارد خواهند شد.. و حتی لحظه ای از آن غیاب نخواهند یافت. و توجه می دانی که روز جزا چیست؟ و باز توجه می دانی که روز جزا چیست؟ آن روز که کسی را بر دیگری اختیاری نیست و فرمان هر چه هست خاص خداست. اهل بصیرت را با شهر کوران چه کار؟ او را چشم ظاهر نیست و آنان را چشم باطن و از میان تو خود بگو که کدامیک کورند؟ "صم بکم عمی فهم لا

يعظون... " چشم بگشا و ببين که چگونه آخرالزمان سررسیده است و گفته های پیامبر(ص) در حجه الوداع تعبیر یافته ... و فساد برو بحررا پر کرده است . برادرم ! چشم بگشا و ببين که از کجا می گذری ! ای شمس جهان آراء تو کجا و این بیغوله تاریک کجا ؟ و چگونه این تمثیل دردناک فراهم آمده است ، تو کجا و این بازار مکاره شیطان کجا ؟

و مگر نه این که آن بخارات شیمیایی جهنمی که چشم تورا باز گرفته اند در کارخانه های همین شهر و شهرهایی چنین / شهرهای آلمان و دیگر کشورهای غربی / ساخته می شوند؟ شمس جهان آراء به میهمانی موش های کور آمده است و آنان در نمی یابند و اصلا چگونه دریابند وقتی که چشمان باطن شان کور است و هیچ چیز را جز خود و اهواء؟ رنگارنگ خود نمی بینند ؟

اگر نه جانبازی که چشمان ظاهرش را اسلحه مرگباری کور کرده است که در کارخانه های اینان ساخته می شود . حجتی است که خداوند بر آنان تمام کرده است . کجاست وجدان بیداری که چشم بدین عبرت باز کند ؟ جانبازی که چشمان خود را در راه اقامه عدل باخته است و استقرار احکام خدا بر زمین ... اما این سخنان آن همه از این دیار مرگ زده و ساکنانش دور است که کسی بیدار نمی شود " وما انت بمسیح من فی القبور " مردگان خفته در قبرستان اهواء نفس اسیران سیاه چال های شهوات ساکنان دیار ظلمت جاودانه اند . منجی بشر و بشیر عشق را آری بسیجی جانباز را در شهر کوران باور نخواهند کرد ، اگر نه آنان را می گفتم که شفای کوردلی خویش را از تو بخواهند از تو که حدقه چشمانت خالی است اما چشمان باطنت سرشار از شهود هفت آسمان و زمین است ...

ای منجی بشر ، بشیر عشق بسیجی ! تو کجا و اینجا کجا ؟ این غربی ترین مغرب حقیقت برگستره سیاره رنج ... اینجایی که خفتگانش را جز نهیب مرگ چیزی بیدار نخواهد کرد .. جز مرگ و صوراسرافیل . آنگاه که آسمان انفطار یابد و ستارگان پراکنده میشوند . آنگاه که دریاها شکافته شوند و انسان ها سرازقبرها بردارند ، خواهند دانست که چه پیش فرستاده اند و چه واپس نهاده اند ... یا ایهاالانسان ! چیست آنچه تورا فریفته است و بر پروردگارت غره داشته است ؟ و تو چه می دانی که روز جزا چیست ؟ آن روز که کسی را بردیگری اختیاری نیست و فرمان هر چه هست خاص خداست . اهل بصیرا باشهر کوران چه کار؟

" بشیر عشق در شهر کوران " کارگردان : درطالب زاده ردوباری فیلمبردار : صادق میانجی صدا بردار : مجید مصدق

نویسنده و گوینده متن : شهید سید مرتضی آوینی تهیه شده : در سال ۱۳۶۸ کلن ، آلمان ، خانه جانبازان

زمان فیلم : ۳۰ دقیقه